

## روش تبلیغی حضرت نوح علیه السلام در قرآن کریم

منصوره احمدی

عضو حلقه علمی بلاغ (خواهران)

دانش آموخته دوره عمومی تربیت مربی

**چکیده:** در این نوشتار شیوه‌های تبلیغی حضرت نوح علیه السلام در قرآن به صورت مختصر بررسی شده است. شرایط تبلیغی، محتوای تبلیغ به شیوه‌های تبلیغ، کارشکنی‌های قوم و استراتژی حضرت نوح در مقابل آنها از جمله مباحث دیگری است که به آن پرداخته شده است.

دلایل پرداختن به این موضوع با محوریت حضرت نوح علیه السلام اولوالعزم بودن، سابقه طولانی در امر تبلیغ، تبلیغ جهانی و طول عمر حضرت است.

**کلید واژگان:** حضرت نوح علیه السلام، شیوه، تبلیغ.

### مقدمه

هر عملی برای فایده‌مندشدن نیازمند به کارگیری شیوه‌های خاص خود است و هیچ کاری بدون آن نظم و سرعت نمی‌یابد. تبلیغ دینی از این قاعده مستثنی نیست و مبلغان دینی باید از پیش‌تازان این امر مهم باشند تا بتوانند پیام اسلام را به صورت روش‌مند و بر پایه‌های استوار به سراسر جهان گسترش دهند. خداوند این روش‌ها را در قالب آموزش به پیامبران در قرآن کریم بیان فرموده است. در این نوشتار روش‌های تبلیغی حضرت نوح علیه السلام در قرآن برای بررسی انتخاب شده است. زیرا ایشان علاوه بر اولوالعزم بودن از سابقه طولانی تبلیغی نیز برخوردار بوده‌اند.

در نوشتار حاضر پس از آشنایی با ویژگی‌های فردی و شرایط اجتماعی حضرت در قرآن، شرایط تبلیغی اعم از شرایط سنی، خانوادگی، اجتماعی، مورد بحث قرار گرفته‌اند. این محتوا به طور کلی شامل توحید و معاد و نبوت است. بیان شیوه‌های تبلیغی ایشان مانند: مرحله‌بندی تبلیغ، تشویق و ارائه راه حل. کارشکنی‌های مخالفان و استراتژی حضرت در مقابل آنها همچون: دفع سریع تهمت‌ها، پافشاری بر عقیده صحیح خود، طلب یاری از خداوند، توکل، پاسخ به تمسخرکنندگان، عدم اجبار به پذیرش دعوت و یادآوری صاحب اختیار بودن خداوند از جمله مباحث دیگر این نوشتار است.

### ۱. نسب‌نامه حضرت نوح علیه السلام

حضرت نوح علیه السلام یکی از پیامبران بلند مرتبه خداوند است. نام حضرت ۴۳ مرتبه در قرآن تکرار شده است و سوره‌های مستقل به نام ایشان وجود دارد. وی در سال رحلت حضرت آدم به دنیا آمده است. شغل ایشان نجاری بوده است. ایشان مردی بلند قامت و تنومند و گندم‌گون بوده‌اند<sup>۱</sup>. محل بعثت و تبلیغ ایشان شامات و فلسطین و عراق بوده است. عمر حضرت را هزار و هشتصد سال ذکر کرده‌اند که هشتصد و پنجاه سال آن قبل از پیامبری و نهصد و پنجاه سال بعد از بعثت قرار داشته است.

### ۲. ویژگی‌های حضرت نوح علیه السلام در قرآن

ویژگی‌های حضرت نوح علیه السلام در قرآن را می‌توان به دو گروه فردی و اجتماعی تقسیم کرد.

۱- ویژگی‌های فردی مانند: عبودیت<sup>۲</sup>، ایمان‌داری<sup>۳</sup>، شکور بودن<sup>۴</sup>، مورد سلام مخصوص الهی بودن<sup>۵</sup>، نیکوکاری<sup>۶</sup>؛ ۲- ویژگی‌های اجتماعی مانند: رسالت<sup>۷</sup>، پیمان‌داری

۱. محمدجواد مهری، مجموعه کامل قصه‌های قرآن، ص ۶۸.

۲. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۲۸۳.

۳. صافات/ ۸۱.

۴. همان.

۵. اسراء.

۶. صافات/ ۷۹.

۷. صافات/ ۸۰.

۸. نوح/ ۱.

خداوند<sup>۱</sup>، منذر بودن<sup>۲</sup>، اولوالعزم بودن<sup>۳</sup>، گزینش و برتری بر جهانیان<sup>۴</sup>، صبر و استقامت<sup>۵</sup> و عدم چشم داشت به اموال قوم خودش<sup>۶</sup>.

### ۳. شرایط تبلیغی حضرت نوح علیه السلام

#### ۳-۱. شرایط سنی

براساس روایاتی که عمر آن حضرت را هزار و هشتصد سال بیان نموده‌اند، هشتصد و پنجاه سال آن قبل از پیامبری و نهصد و پنجاه سال بعد از بعثت و رسالت بود<sup>۷</sup>. رسالتی با این عظمت برای فردی در سن هشتصد و پنجاه سالگی، ایمان و صبر و پشتکار فراوان می‌طلبد که حضرت همه را داراست. رسالتی که ایشان را به درجه اولوالعزم بودن رساند. طولانی‌شدن زمان تبلیغ که قرآن کریم هم از آن به گونه‌ای یاد کرده، دلالت بر عظمت و بزرگی آن حضرت دارد. در قرآن می‌خوانیم: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا...﴾<sup>۸</sup>؛ «و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، و او در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد...».

اینکه تعبیر به هزار سال الا پنجاه سال شده، برای اشاره به عظمت و طول این زمان است؛ زیرا هزار سال آن هم مدت تبلیغ زمانی طولانی محسوب می‌شود<sup>۹</sup>.

#### ۳-۲. شرایط اجتماعی

در روایات آمده است که فقط هشتاد نفر از میان قوم نوح علیه السلام به او ایمان آوردند<sup>۱۰</sup>. اگر نهصد و پنجاه سال را بر هشتاد تقسیم کنیم عدد دوازده به دست می‌آید، یعنی تقریباً برای هر نفر دوازده سال تلاش شده است. این نشان‌گر وجود مخالفانی سرسخت است که علاوه بر کفر خود، مانع ایمان آوردن دیگران نیز می‌شده‌اند. مردم آن عصر

۱. احزاب/۷.

۲. شعراء/۱۵، نساء/۱۶۳ و ۱۶۷.

۳. احقاف/۳۵.

۴. آل عمران/۳۳.

۵. ابراهیم/۱۲.

۶. شعراء/۱۰۸.

۷. محمدجواد مهری، مجموعه کامل قصه‌های قرآن، ص ۶۸.

۸. عنکبوت/۱۴.

۹. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۱۰. محمدجواد مهری، مجموعه کامل قصه‌های قرآن، ص ۷۴، ابن النصر محمبن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴۸.

غرق در بت پرستی، خرافات و فساد بوده‌اند. آنها در حفظ رسوم باطل خود بسیار لجاجت می‌کردند و به قدری بر عقیده باطل خود تأکید داشتند که حاضر بودند جان دهند، ولی از آن دست برندارند. به عنوان نمونه برخی فرزندان خود را نزد نوح علیه السلام می‌آوردند و به آنان می‌گفتند: در صورت زنده ماندن پس از ما، هرگز از این دیوانه پیروی نکنید و از او بترسید مبادا شما را گمراه کند!

﴿ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتِكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سَوَاعَا وَلَا يَعُوقَ وَتَسْرَأُ ۚ ﴾؛ «و گفتند: دست از خدایان و بت‌های خود برندارید (به خصوص) بت‌های «ود» و «سواع» «یعوق» و «تسر» را رها نکنید.»

### ۳-۳. شرایط خانوادگی

یکی از عوامل مهم در موفقیت مردان همراهی و کمک همسر و خانواده آنان است. اگر زن یاور همسرش نباشد و حتی به مخالفت با وی برخیزد، به یقین کار بر مرد سخت تر خواهد شد؛ زیرا در این حالت علاوه بر اینکه خود مرد دست تنهاست، دیگران گمان می‌برند که اگر حرف‌های او مفید بود، حداقل خانواده و همسرش پیرو او می‌شدند. حضرت نوح علیه السلام علاوه بر مخالفت همسر، به خاطر کفر یکی از پسرانش به نام کنعان<sup>۲</sup> نیز ناراحت بود. ﴿ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَاهُمَا ۚ ﴾؛ «خدا برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند ولی به آن دو خیانت کردند.»

آن زمان که حضرت نوح علیه السلام پسرش را به سوار شدن در کشتی نجات فراخوانده می‌فرمود: ﴿ ... يَا بَنِيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ۗ ﴾؛ «... پسر! همراه ما سوار شو و با کافران مباش!»

پسر نه تنها به سخن پدر اهمیتی نداد، بلکه در پاسخ گفت به کوه پناه خواهیم برد.

### ۴. محتوای تبلیغ

محتوای تبلیغی ایشان در مجموع دعوت به اصول توحید، معاد و نبوت و مسائلی

۱. محمدجواد مهری، مجموعه کامل قصص‌های قرآن، ص ۶۹.

۲. نوح/۲۳.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴۸.

۴. تحریم/۱۰.

۵. هود/۴۲.

مانند تقوا است.

#### ۴-۱. دعوت به توحید

حضرت نوح علیه السلام مردم را به توحید و پرستش خداوند دعوت می‌کرد. از این مطلب مشخص می‌شود که مردم قومشان بت پرست بوده‌اند.

﴿ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ <sup>۱</sup> ﴾؛ «ای قوم من، تنها خدای یگانه را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست.»  
﴿ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ... <sup>۲</sup> ﴾؛ «تقوای الهی پیشه کنید...».

#### ۴-۲. دعوت به معاد

اصل دیگر محتوای تبلیغی حضرت، معاد است. دعوت مردم به ایمان به معاد، کمکی به برنامه‌ریزی عاقلانه برای زندگی دنیوی است. زندگی‌ای که نتیجه اعمال و رفتار دنیای مردم است، آنجا که می‌فرماید: ﴿ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ <sup>۳</sup> ﴾؛ «من بر شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم.»

حضرت ضمن ابراز نگرانی نسبت به افراد قوم خویش می‌فرمایند: اگر به کفر خود ادامه دهید، در آخرت به عذاب دردناک گرفتار می‌شوید.

#### ۴-۳. دعوت به نبوت

روش حضرت برای دعوت مردم به پذیرش پیامبری؛

۱- ۴-۳. معرفی پیامبر: حضرت، خود را در ابتدای راه تبلیغ این گونه معرفی می‌کند: ﴿ وَ لِكُنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ <sup>۴</sup> ﴾؛ «ولی من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیان هستم.» تکرار آن در آیات بعد، نشان از این دارد که ایشان مردم را به خود نمی‌خوانند، بلکه هدف اصلی، معرفی پروردگاری است که رب همه جهانیان است.

۲- ۴-۳. علم پیامبر: ﴿ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ <sup>۵</sup> ﴾؛ «و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید.»

علم من نسبت به شما بیشتر است، پس کار عاقلانه این است که از من پیروی کنید.  
۳- ۴-۳. وظیفه پیامبر نسبت به مردم: ایشان پس از معرفی خود بیان می‌دارند که مأمور ارسال پیامی هستند و این کار را از روی دلسوزی انجام می‌دهند و توقع مزد

۱. اعراف/۵۹؛ مؤمنون/۲۳.

۲. شعراء/۱۰۸ و ۱۱۰.

۳. اعراف/۵۹؛ هود/۲۶؛ نوح/۱۸.

۴. اعراف/۶۱ و ۶۷.

۵. اعراف/۶۲.

و تشکر را ندارند. ﴿أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾؛ «رسالت‌های پروردگار را به شما ابلاغ می‌کنم و من خیرخواه امینی برای شما هستم». ﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾.

۴-۳-۴. وظیفه مردم نسبت به پیامبر: ایشان در مقابل تمام زحماتی که برای قوم متحمل می‌شوند فقط فرمودند: ﴿... وَأَطِيعُونَ﴾؛ «... و مرا اطاعت نمایید.»

### ۵. شیوه‌های تبلیغ

حضرت نوح به علت طولانی بودن زمان تبلیغ، ناگزیر از ارتباط با نسل‌ها و قشرهای متعدد و متفاوت بودند. به همین دلیل روش‌های متعددی را برای هدایت برگزیده‌اند که هر یک متناسب با زمان و مکان و مخاطب بوده است. با توجه به این مطلب شیوه‌های تبلیغی ایشان را بررسی می‌کنیم:

#### ۵-۱. مرحله‌بندی تبلیغ

در امر تبلیغ نکاتی را می‌بایست مورد توجه قرار داد. از جمله این که مبلغ می‌بایست با الهام از رسولان الهی دعوت خویش را مرحله‌بندی کند: مثلاً حضرت نوح علیه السلام ابتدا با صدای بلند و سپس آشکارا و بعد پنهانی، مردم خود را دعوت نمودند ﴿رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا... ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا... ثُمَّ أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا﴾؛ نوح گفت: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (به سوی تو) دعوت کردم... سپس من آنها را با صدای بلند (به اطاعت و فرمان تو) دعوت کردم... سپس آشکارا و نهان (حقیقت توحید و ایمان را برای آنان بیان داشتم)» اما در مورد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خداوند به ایشان فرمان می‌دهند که در ابتدا، دعوت مخفیانه باشد و در مرحله بعد که آشکارا نمودن دعوت است، ابتدا از خویشان نزدیک شروع کن و سپس دیگران را.<sup>۵</sup>

#### ۵-۲. تبشیر و ارائه راه حل

بشارت شیوه دیگری است که حضرت به کار بستند «اگر آن گونه که من می‌گویم

۱. اعراف/۶۸.

۲. شعراء/۱۰۷.

۳. شعراء/۱۰۸ و ۱۱۰؛ نوح/۳.

۴. نوح/۵ و ۸ و ۹.

۵. شعراء/۱۴/ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ «خویشاوندان نزدیکت را انداز کن». ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۶۷.

عمل کنید خداوند هم از اشتباهات آنها می‌گذرد»<sup>۱</sup> و در جایی دیگر به امر برتری بشارت می‌دهد «اگر از شرک و گناه توبه کنند خدا از هر سو درهای رحمت خویش را به روی آنها می‌گشاید» «البته نه تنها شما را از گناهان پاک می‌کند بلکه اگر چنین کنید باران‌های پربرکت را پی‌درپی برای شما می‌فرستد» سپس می‌افزاید: «و اموال و فرزندان شما را افزون می‌کند و برای شما باغ‌های خرم و سرسبز و نه‌های آب جاری قرار می‌دهد». به این ترتیب یک نعمت بزرگ معنوی و پنج نعمت بزرگ مادی به آنها وعده داده است:

نعمت بزرگ معنوی بخشودگی گناهان و پاک‌شدن از کفر و عصیان است و نعمت‌های مادی ریزش باران‌های مفید و به موقع، فزونی اموال، فزونی فرزندان، باغ‌های پربرکت و نه‌های آب جاری است»<sup>۲</sup>.

### ۵-۳. پرسش

شیوه دیگر حضرت نوح علیه السلام پرسش است. پرسش مخاطب را به فکر وادار می‌کند. در واقع هدف از پرسش، گاه اثبات همان مطلب است که در سؤال آمده، مثلاً جایی که می‌فرماید: ﴿أَفَى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>۳</sup>؛ «آیا در خدا شک است؟ خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفرید.» منظورشان این است که در وجود خداوند هیچ شکی نیست و وقتی می‌فرماید: ﴿أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾<sup>۴</sup>؛ «آیا از پرستش ب‌ها پرهیز نمی‌کنید؟» مخاطب به فکر می‌رود که چرا باید از پرستش ب‌ها پرهیز کنیم و به دنبال جواب می‌گردد. نمونه‌هایی همچون ﴿مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ اللَّهَ وَقَارًا﴾<sup>۵</sup>؛ «چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟!»، ﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا﴾<sup>۶</sup>؛ «آیا نمی‌دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده است؟» با روش پرسش ارائه شده‌اند.

### ۵-۴. دقت دادن به طبیعت

حضرت نوح علیه السلام از طریق توجه دادن به طبیعت به قوم خود گوشزد می‌کند که چرا به وجود خداوند قادر و عالم پی نمی‌برند ﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا﴾

۱. علامه سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۰ (با تخلص). البته نه گناهانی که بعداً مرتکب می‌شوید چون معنی ندارد اشتباهاتی که هنوز رخ نداده آمرزیده شود و اینکه آموزش همه گناهان آینده، مستلزم لغوشدن تکالیف الهی می‌شوند و آن نوع آموزش مفید نیست.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۶۹، نوح/۱۰-۱۲.

۳. ابراهیم/۱۰.

۴. مؤمنون/۲۳.

۵. نوح/۱۳.

۶. نوح/۱۵.

﴿ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا ﴾ وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿ وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴾<sup>۱</sup>؛  
 ﴿ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴾ لِتَسْكُنُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا<sup>۲</sup>؛ «آیا نمی دانید خداوند چگونه هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفرید و ماه را در میان آسمان مایه روشنی و خورشید را چراغ فروزان قرار داده است و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید. پس شما را به همان زمین باز می گرداند و بار دیگر خارج می کند و خدا زمین را برای شما فرش گسترده ای قرار داد تا از راههای وسیع و دره های آن بگذرید.»

### ۵-۵. انذار قبل از عذاب

انذار به معنای ترساندن از خطر احتمالی است که در صورت عدم تحذیر حتماً رخ خواهد داد.<sup>۳</sup> تأکید بر انذار در آیه شریفه با توجه به این که پیامبران بشارت دهنده نیز هستند، به خاطر آن است که انذار غالباً تأثیر قوی تری دارد. همان گونه که برای ضمانت اجرایی قوانین در تمام دنیا، بر تعیین مجازات تکیه می شود.<sup>۴</sup>

«چون قوم نوح دارای حالتی از اعراض و استکبار و عناد و گمراهی بودند، خداوند انذار را مناسب ترین راه برای رسالت او در آغاز دعوتش قرار داد.»<sup>۵</sup>

﴿ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴾<sup>۶</sup>

با دقت در آیات معلوم می شود که «بیم و هشدار انبیاء بیش از بشارت آنان است. ترساندن غافل از خطرهای بهترین شیوه ارشادی است.»<sup>۷</sup>

### ۶. واکنش مخالفان و چهره های حاکم قوم در مقابل حضرت نوح علیه السلام

از مهم ترین مشکلات حضرت نوح کارشکنی های برخی افراد در امر ابلاغ رسالت بود که به مهم ترین موارد آن می پردازیم:

#### ۱-۶. تکبر

«دعوت حضرت نوح علیه السلام به سه بخش مخفیانه، علنی و درآمیختن دعوت علنی و

۱. نوح/۱۵-۱۷.

۲. نوح/۱۹ و ۲۰.

۳. علامه سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۹.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۵۷.

۵. سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۷۱.

۶. نوح/ ۱ و ۲.

۷. محسن قرآنتی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۳۴۴.



نهانی تقسیم می‌شود که برخورد معاندان در بخش اول به چهار صورت بود: یا انگشت در گوش می‌کردند، یا لباس به خود می‌پیچیدند یا اصرار بر کفر داشتند یا با تکبر برخورد می‌کردند؛<sup>۱</sup> ﴿جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا﴾<sup>۲</sup>؛ «و من هر زمان آنها را دعوت کردم که (ایمان بیاورند) تو آنها را بیامرزی، انگشتان خویش را در گوشهایشان قرار داده و لباسهایشان را بر خود پیچیدند و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند.»

### ۲-۶. تهمت

قوم عنود و سرکش حضرت نوح علیه السلام تهمت‌های متعددی را مطرح می‌کردند. تهمت دروغ‌گویی: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتِرَاهُ﴾<sup>۳</sup>؛ «این سخنان را به دروغ به خدا نسبت داده است.» ﴿بَلْ نُنَبِّئُكُمْ كَاذِبِينَ﴾<sup>۴</sup>؛ «... بلکه شما را دروغ‌گو تصور می‌کنیم.» تهمت جنون و دیوانگی: ﴿إِنَّ هُوَ رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَبَرِّئُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ﴾<sup>۵</sup>؛ «او فقط مردی است که به نوعی جنون مبتلا است! پس مدتی دربارۀ او صبر کنید.»<sup>۶</sup> ﴿وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ﴾<sup>۷</sup>؛ «و گفتند او دیوانه است و (با انواع آزارها از ادامه رسالتش) بازداشته شد.» و حتی به حضرت تهمت گمراهی زدند و در نهایت بی‌شرمی خود را هدایت شده دانستند: ﴿قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنِّي لَأَنرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۸</sup>؛ «ولی اشراف قومش به او گفتند: ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم!» آری این پاسخ قوم در مقابل دعوت به پرستش خداوند و برحذر داشتن آنها از عذاب روز بزرگ بود.

### ۳-۶. تحقیر

معاندان، تمام تلاش خود را برای خنثی کردن سخنان حضرت به کار می‌بستند. آنها تلاش ایشان را کاملاً بی‌ارزش جلوه می‌دادند. مثلاً ایشان و مؤمنان را تحقیر و باسخنانی

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۶۵، با تلخیص.

۲. نوح/۷.

۳. هود/۳۵.

۴. هود/۲۷.

۵. مؤمنون/۲۵.

۶. علامه سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۷. جنة یا به معنای جنون است و یا اینکه مفرد جن است که فردی از جن در او حلول کرده و این مرد با زبان آن جن حرف می‌زند و نیز چیزهایی می‌گوید که جز دیوانگان آن را نمی‌گویند پس ناگزیر مدتی صبر کنید شاید از این کسالت بهبودی یابد یا بمیرد و شما از شرش راحت شوید

۷. قمر/۹.

۸. اعراف/۶۰.

زشت مردم را از آنها دور می کردند. ﴿قَالُوا أَتُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ﴾؛ «گفتند آیا به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی ارزش از تو پیروی کرده اند؟».

﴿وَ مَا تَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ بِأَدْيِ الرَّأْيِ﴾؛ «و کسانی را که از تو پیروی کرده اند جز گروهی اراذل ساده لوح مشاهده نمی کنیم ...»

۴-۶. تکذیب: در آیات متعدد بیان شده که قوم نوح، آن حضرت را تکذیب کردند: ﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ ...﴾<sup>۲</sup>

۵-۶ تمسخر: ﴿كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ﴾<sup>۴</sup>

۶-۶ مجادله به باطل: ﴿... وَ جَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُبْدِ حُضُوبًا بِهِ ...﴾<sup>۵</sup>

۷-۶ جنگ سرد: «یکی از روش هایی که دشمنان خدا در طول تاریخ برای بی اثر کردن تبلیغات پیامبران از آن استفاده کرده اند، ایجاد شک در دل پیروان ادیان الهی است. شیوه های به کارگیری این روش در زمان حضرت نوح علیه السلام از این قرار است:

الف) ایجاد شبهه در صدق نبوت: آنها می گفتند که نوح هم بشری مانند شماست. مثل شما انسان است و شما نیز کمتر از او نیستید. او در ادعای خود کاذب است و تنها دلیل برای حرفهایش این است که می خواهد بر شما برتری یافته، ریاست کند. ﴿مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ﴾<sup>۷</sup>؛ «این مرد جز بشری همچون شما نیست.»

ب) برتری جویی: به مردم گفتند که او می خواهد بر شما برتری یابد ﴿يُرِيدُ أَنْ يَنْفَضَلَ عَلَيْكُمْ﴾<sup>۸</sup>؛ «می خواهد بر شما برتری یابد.»

ج) ترویج خرافات و تحریک احساسات قبیله ای: ﴿مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ﴾<sup>۹</sup>؛ «... ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود نشنیده ایم.» ﴿تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَنَا﴾<sup>۱۰</sup>؛ «می خواهید ما را از آنچه پدران ما می پرستیدند بازدارید.»

سران قوم به مردم می گفتند: «اگر دعوت او حق می بود، نظیر و ماندی برایش

۱. شعراء/۱۱۱.

۲. هود/۲۷.

۳. ق/۱۲.

۴. هود/۳۸.

۵. غافر/۵.

۶. علامه سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۶ با تلخیص.

۷. مؤمنون/۲۴.

۸. همان.

۹. همان.

۱۰. ابراهیم/۱۰.

یافت می‌شد اما در تاریخ پدران ما چنین دعوتی اتفاق نیافتاده است. پس این دعوتِ نوظهور، دروغی بیش نیست.»<sup>۱</sup>

#### ۶-۸. تهدید

دشمنان خدا وقتی از روش‌های فوق نتیجه‌ای نگرفتند، تصمیم به تهدید حضرت گرفتند. در ابتدا ایشان را تهدید به اخراج کردند: ﴿لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا﴾<sup>۲</sup>؛ «ما قطعاً شما را از سرزمین‌های خود بیرون خواهیم کرد مگر اینکه به آیین ما باز گردید.» سپس تهدید به سنگسار کردند: ﴿قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ﴾<sup>۳</sup>؛ «گفتند: ای نوح اگر از حرف‌هایت دست برداری، سنگسار خواهی شد.»

#### ۷. استراتژی حضرت نوح علیه السلام در واکنش به مخالفان

وقتی کافران در مقابل دعوت حضرت نوح علیه السلام جبهه‌گیری کردند، حضرت نیز به تناسب روش‌هایی را برگزیدند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم؛

#### ۷-۱. دفع سریع تهمت‌ها به صورت آشکار و دفاع از حوزه رسالت خویش

گاهی ممکن است افرادی به کسی که مدعی مطالبی است، تهمت‌هایی بزنند و این فرد نیز سکوت کند؛ اما وقتی مسئله دعوت الهی و هدایت مردم در میان است، نه تنها سکوت کارساز نیست، بلکه موجب سلب اعتماد سایرین نیز می‌شود. مردم گمان می‌کنند که او توان دفاع از مواضع خود را ندارد و نمی‌تواند از پیروانش در مقابل خطرات مخالفان محافظت کند. در این جا وظیفه الهی دفع سریع تهمت‌ها به صورت آشکار و تطهیر دامن پاک رسالت را اقتضا می‌کند. به همین جهت بود که حضرت نوح علیه السلام در پاسخشان فرمودند:

﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لِكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۴</sup>؛ «گفت ای قوم، هیچ‌گونه گمراهی در من نیست بلکه من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم.»

#### ۷-۲. پافشاری بر عقیده و نظر صائب خود

کفار می‌دانستند که با ایمان آوردن به حضرت نوح علیه السلام هم ردیف افراد مستضعف

۱. علامه سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵ ص ۳۶.

۲. همان/۱۳.

۳. شعراء/۱۱۶.

۴. اعراف/۶۱.

قرار می‌گیرند، به همین دلیل به حضرت می‌گفتند: آنها را از خود دور کن تا ما به تو ایمان آوریم. اما حضرت هرگز نپذیرفت.

### ۷-۳. طلب یاری از خداوند

حضرت در پاسخ به تهمت جنون فرمودند: «قال رَبِّ انصُرْنِي<sup>۱</sup>» و هنگامی که ایشان را به سنگسار تهدید کردند، اینگونه با خدا سخن می‌گویند: «وَأَفْتَحُ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فَتْحًا وَ نَجِّنِي وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ<sup>۲</sup>»؛ «اکنون میان من و آنها جدایی بیفکن و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی بخش.» در معنای فتح آمده «فتح به معنی گشودن و از بین بردن کار فرو بسته است که معنای آیه چنین است: میان من و آنها جدایی بیفکن.»<sup>۳</sup>

### ۷-۴. توکل

«توکل لازمه ایمان است. خدایی که هدایت کرد حمایت هم می‌کند. لازمه پیمودن راه خدا، تحمل سختی‌هاست. کسی می‌تواند صبر کند که تکیه‌گاه محکمی داشته باشد.»<sup>۴</sup> «... وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ<sup>۵</sup>»

### ۷-۵. پاسخ به تمسخر کافران

«قال إِنْ تَسَخَّرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسَخَّرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسَخَّرُونَ<sup>۶</sup>»؛ «(ولی نوح) گفت: اگر ما را مسخره می‌کنید ما نیز شما را همین گونه مسخره خواهیم کرد.»  
در مورد معنای تمسخر احتمالاتی مطرح است...<sup>۷</sup> در وقت هلاکت و غرق شدن، کيفر تمسخر را خواهید دید...<sup>۸</sup> در واقع از عذاب خدا تعبیر به تمسخر شده است<sup>۹</sup> احتمال دیگر این است که منظور این باشد که ما در آن وقت شما را از روی شماتت تمسخر خواهیم کرد.»<sup>۹</sup>

۱. مؤمنون/۲۶.

۲. شعراء/۱۱۸ «وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد.» و همواره پشتیبان و همراه آن هستم.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۲۸۷. و ر.ک: علامه سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۴۱۷.

۴. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۶۶.

۵. هود/۳۸.

۶. یونس/۷۱.

۷. علامه سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۱۵ با کمی تلخیص.

۸. هود/۳۸.

۹. تفسیر مجمع البیان، ج ۱۲، ص ۵۳.

#### ۷-۶. عدم اجبار به پذیرش دعوت حق

﴿أَنْزَلْنَاهُ مَكْمُوهًا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ<sup>۱</sup>﴾؛ «... آیا ما می‌توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور سازیم با اینکه شما کراحت دارید؟». «... مراد از آن این است که وظیفه من تنها این است که شما را به وسیلهٔ «بینه» و برهان راهنمایی کنم، ولی شما را بر قبول آنها اجبار نمی‌کنم».<sup>۲</sup> کاری که از روی اجبار انجام شود فایدهٔ تربیتی هم ندارد. چرا که باید افراد با تصمیم و ارادهٔ خود راه را انتخاب کنند تا به اجر و کمال نایل شوند.

#### ۷-۷. یادآوری اینکه صاحب اختیار خداست

﴿قَالَ وَمَا عَلَّمِي مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ، إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَيَّ رَبِّي تَشْعُرُونَ<sup>۳</sup>﴾؛ «نوح گفت: من چه می‌دانم آنها چه کاری داشتند حساب آنها تنها با پروردگار من است اگر شما می‌فهمیدید» براساس این آیه، مبلغ دین الهی هم باید چارچوبی برای وظایف خود داشته باشد و در عین وظیفه‌شناسی بداند که همه کاره و صاحب اختیار خداست و حضرت بار دیگر در پاسخ کافران که گفتند آنچه از عذاب وعده کردی بیاور. فرمودند: ﴿إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ<sup>۴</sup>﴾؛ «نوح گفت: اگر خدا اراده کند خواهد آورد...»، حضرت نوح علیه السلام حتی در غرق شدن فرزند کافر خود هم به آن اشاره کرده ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ<sup>۵</sup>﴾؛ «عرض کرد: پروردگارا من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم...».

#### نتیجه

حضرت نوح علیه السلام، (شیخ الأتبیاء) با این که در سن ۸۵۰ سالگی برای رسالت برگزیده شدند، اما هرگز در وظیفهٔ سنگین رسالت کوتاهی ننمودند و هیچ‌گاه اظهار خستگی نکردند. مردم را با روش‌هایی مانند انذار، تیشیر، پرسش و ... به توحید، معاد و نبوت دعوت، از مؤمنان حمایت و در مقابل معاندان مقاومت می‌کردند و در برابر هر نوع کارشکنی آنها، راه‌کار مناسبی را برمی‌گزیدند.

۱. هود/۲۸.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۴۱.

۳. شعراء/۲۶.

۴. هود/۳۳.

۵. هود/۴۷.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ارشادی، عین‌الله، سیمای پیامبران در قرآن (نوح عليه السلام)، فردابه، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۳. سیدقطب، فی ظلال القرآن، دار الشروق، ۱۴۰۵ ق.
۴. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۵. العیاشی، ابی‌النصر محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، مؤسسه الأعلمی المطبوعات، بیروت، ۱۲۱۱ ق.
۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۸. محلاتی، ذبیح‌الله، رباحین الشریعة، ترجمه: دانشمندان بانوان شیعه، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ ش.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. مهری، محمدجواد، مجموعه کامل قصه‌های قرآن، آیین دانش، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۶ ش.